

بررسی رابطه تفکر استراتژیک و میزان توانایی کارآفرینی در کارکنان کارخانجات شهرک صنعتی ماشین سازی و فناوری های برتر مشهد

فواد بهزادنسب^۱، تورج صادقی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، گروه مدیریت اجرایی، پردیس علوم و تحقیقات خراسان رضوی، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد نیشابور

foad.bn69@gmail.com

^۲ دکترای مدیریت بازاریابی، گروه مدیریت، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، ایران

tooraj_sadeghi@yahoo.com

چکیده

تفکر استراتژیک فرآیندی است که طی آن مدیر می آموزد که چگونه چشم انداز تجاری خود را بوسیله کار گروهی، تفکر انتقادی و بهبود مستمر تعریف کند. مدیریت استراتژیک به چشم انداز و برنامه های بلند مدت سازمان اشاره دارد که با شناسایی نقاط قوت و ضعف سازمان و نیز تهدیدات و فرصت های محیطی، مسیر و آینده سازمان را مشخص می نماید. پژوهش حاضر به بررسی رابطه تفکر استراتژیک با توانایی کارآفرینی می پردازد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده ها، جزء تحقیقات توصیفی و از شاخه های پیمایشی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل تمامی کارکنان کارخانجات شهرک صنعتی ماشین سازی و فناوری های برتر مشهد که تعداد آن ۲۶۱ نفر می باشد. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه آماری ۱۵۳ نفر برآورد شد و با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات در بخش نظری که به مطالعه ادبیات پژوهش و بررسی تحقیقات پیشین اختصاص داشته، فیش برداری و در بخش میدانی، پرسشنامه بوده است. روایی پرسشنامه ها به شیوه روایی صوری و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه گردید. جهت تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها آزمون ضریب همبستگی استفاده می نماییم. یافته ها نشان می دهد که تفکر استراتژیک با توانایی کارآفرینی رابطه مثبت و معنی دار دارد. همچنین تمامی ابعاد تفکر استراتژیک (تفکر سیستمی، عزم استراتژیک، رویکرد علمی، فرصت طلبی هوشمندانه، تفکر در زمان) با توانایی کارآفرینی رابطه مثبت و معنی دار دارد.

واژه گان کلیدی: تفکر استراتژیک، توانایی کارآفرینی، تفکر سیستمی، عزم استراتژیک، رویکرد علمی، فرصت طلبی هوشمندانه، تفکر در زمان.